

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دوکتور م ، عثمان تره کی
۰۹ فبروری ۲۰۱۳

تأثیر ستراتیژیک خروج قوای خارجی

پس از ۲۰۱۴ م در افغانستان

متن صحبت نویسنده در کنفرانس « صلح و دیموکراسی »

لندن - ۱۲ نومبر ۲۰۱۲

الف . امنیت

بُعد داخلی :

پس از خروج قوای خارجی اورگان های امنیتی توان تأمین امنیت را ندارند. زیرا :

- فاقد انگیزه عمومی ، ملی و عقیدتی مقابله با مخالفین اند و با روحیه ستیزه جوئی قومی تشکل فکری یافته اند .

- به دلیل ترکیب ۹۰ فیصد از اقلیت های قومی بی بهره از پوتانسیل انسانی برای مقابله با مخالفین اند.

- فاقد دسپلین و آگهی مسلکی اند و تجهیزات لازم برای جنگیدن ندارند .

انتلاف نظامی بین المللی (ا ، ن ، ب) برای توجیه آغاز و ادامه جنگ در افغانستان بایست از طریق تبلیغات وسیع دشمن تراشی می کرد . این دشمن « طالب » نام گرفت . غول تبلیغاتی ممالک غربی از طالب « هیولا » ساخت که می بایست از طریق جنگ نابود می شد . وحشت از این هیولا افشار وسیع تعلیم یافته و روشنفکر فرصت طلب را در جبهه جنگ و اشغال علیه مخالفین مسلح قرار داد . به نام دیموکراسی ، حقوق بشر و مبارزه ضد تروریسم جنایت های وحشتناکی صورت گرفت .

طی ده سال ترس از آنچه غربیان « طالب » نامیده اند ، انگیزه اتحاد مرکبات اردو و جنگ با مخالفین مسلح می شد.

این ترس در عین حال زمینه همکاری اردو را با (ا ، ن ، ب) مساعد می ساخت.

رخنه مخالفین مسلح در اردو و سازماندهی حملات داخلی نشان میدهد که اکنون توطئه هیولا سازی طالب افشاء شده و ترس از طالب جای خود را به ترس از قوای (ا ، ن ، ب) خالی کرده است . اردو به مرکز تقابل منافع و عصبیت های قومی ، عقیدتی و سیاسی بدل شده و با ترکیب غیر متجانس در تشخیص دوست از دشمن در وضع سردرگمی و بلاتکلیفی به سر می برد .

این حالت سردرگمی به سهولت زمینه نفوذ مداخلات کشور های همسایه و منطقه را پس از خروج (ا ، ن ، ب) از افغانستان در قوای مسلح فراهم می سازد : اردو به مرکز کشمکش و احتمالاً سازماندهی کودتا های متواتر مولود دخالت کشور های همسایه تبدیل خواهد شد .

انتقال مسؤلیت های امنیتی از (ا ، ن ، ب) به قوای مسلح افغانی که قوت های اشغالگر آن را زیر عنوان «افغانی ساختن جنگ» تجلیل کرده اند ، آتش جنگ قومی را به کمک مداخله گران خارجی مشتعل خواهد ساخت . در یک طرف این جنگ اردوی قومی و تنظیمی و طرف دیگر آن مخالفین مسلح که اکثراً از پشتون ها ترکیب شده است ، قرار خواهد داشت . در عقب هر دو جناح ممالک همسایه و منطقه موضع خواهند گرفت .

بناءً افغانی ساختن جنگ (پروگرام نهایت ماجراجویانه) به مفهوم « لبنانی ساختن » جنگ افغانستان است ، که به گمان اغلب برخی کشور های عضو (ا ، ن ، ب) آن را انگیزه ضرورت مداخله و دوام حضور خود در منطقه قیاس می کنند .

بُعد خارجی :

با استفاده از خلاء امنیتی ناشی از خروج بدون پروگرام (ا ، ن ، ب) ، کشور های همسایه و منطقه بار دیگر گروه های قومی و مذهبی را تمویل و تجهیز خواهند نمود : ایران در حمایت از هزاره ها و تاجک ها ، پاکستان در پشتیبانی از پشتون ها و روسیه در جانبداری ائتلاف شمال قرار خواهد گرفت . دهه جنگ های داخلی با شدت بیشتر تکرار خواهد شد .

به تدریج اسلام سیاسی به کمک پاکستان خلاء امنیتی در افغانستان را اکمال خواهد کرد . به مساعدت پاکستان زمینه مساعدی برای نفوذ سیاسی و اقتصادی چین فراهم خواهد آمد . تعادل قواء در منطقه به ضد غرب که خاطر اشغال ، جنگ و خشونت آن در حافظه عوام زنده خواهد بود ، تغییر خواهد کرد . با شمول افغانستان در جمع کشور های شانگهای نفوذ غرب در افغانستان عملاً پایان خواهد یافت . مگر آنکه کشور های غربی با کمک های بیدریغ اقتصادی و حفظ پایگاه های نظامی (موضوع نهایت جنجال برانگیز) افغانستان را قهراً در حلقه نفوذ خود نگاه دارد .

ب . اقتصاد و ژئوپولیتیک

بُعد داخلی :

افغانستان دارای اقتصاد مصرفی است . بودجه عادی و انکشافی در حد ۸۰ فیصد از مدرک کمک های خارجی و قروض بانک های بین المللی تمویل می شود.

کمبود ظرفیت هضم کمک های خارجی ، رشد اقتصادی را بطی خواهد ساخت .

پس از خروج قوای خارجی پابندی به تعهد پرداخت ۱۶ میلیارد دالر کمک در کنفرانس اخیر توکیو برای تأمین ثبات نسبی اقتصادی ارزش حیاتی دارد .

افغانستان باید دارای اداره ای با ظرفیت ، سالم و مورد اعتماد جامعه بین المللی باشد تا کمک های وعده شده خارجی را جلب کرده بتواند .

بُعد خارجی :

جلب متوازن سرمایه های کشور های غربی و ممالک منطقه باید مبنای سیاست اقتصادی آینده افغانستان باشد .

فعالاً چین در سکتور های مهم اقتصاد افغانستان سرمایه گذاری هنگفت کرده است. این امر احتمالاً موازنه ژئوپولیتیک را از مجرای نفوذ چین در افغانستان، در منطقه تغییر خواهد داد: پلان تمدید لوله گاز ترکمنستان، افغانستان، تاجکستان و سینکیانگ (چین)، عملاً پروگرام پایپ لاین ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند را که به کمک کمپنی های غربی روی دست است، در حاشیه خواهد راند. به ایران فرصت خوب بیرون شدن از انزوای اقتصادی را از طریق لوله کشی گاز از قلمرو ایران به سوی پاکستان و هند مساعد خواهد ساخت. به این ترتیب چین به تدریج کنترل خود را به منابع و خطوط مواصلاتی انرژی در منطقه قایم خواهد ساخت.

تعداد ژئوپولیتیک و ستراتیژیک در منطقه از طریق تأمین امنیت در افغانستان شکل می گیرد.

افغانستان برای حفظ دست آورد های ده سال اخیر در عرصه دیموکراسی، حقوق بشر و حقوق زن و جلب سرمایه های خارجی برای تأمین رشد اقتصادی به امنیت و ثبات سیاسی ضرورت دارد.

تأمین امنیت مستلزم عبور افغانستان از حالت جنگ به حالت صلح از طریق استقرار یک حکومت انتقالی است.

حکومت انتقالی به موافقت مقاومت مسلح از سه تا چار سال از تکنوکرات های بیطرف تشکیل می شود و وظایف آتی را به عهده خواهد داشت:

- تشکیل یک اداره عاری از فساد
 - تقویت ظرفیت مسلکی و محاروبی قوای مسلح به کمک کشور های دوست
 - انحلال قوت های موازی (کمپنی های خصوصی امنیتی، ملیشیای قومی، پولیس محلی ...)
 - تنظیم پلان خروج قوای خارجی
 - تدارک زمینه محاکمه جنایت کاران داخلی و خارجی جنگ
 - تسوید یک قانون اساسی جدید که در آن موازین حقوق بشر، حقوق زن و دیموکراسی حفظ شده باشد و دعوت لویه جرگه برای تصویب آن
 - سازماندهی انتخابات
- حکومت جدید به مثابه پارتنر متساوی الحقوق، کشور های مهاجم را به احترام قوانین بین المللی دعوت خواهد کرد و شریک قابل اعتماد حل معضلات منطقه ئی و مبارزه ضد تروریسم خواهد بود.

« پایان »

فرانسه . ۱۲ نومبر ۲۰۱۲

دوکتور عثمان تره کی